



چادرشب بافی، هنری فراموش شده

مطالعه موردی روستای رویین اسفراین

محمد افروغ، محمدحسن و موسی الرضا بهنام فر

مقدمه

مصرف می‌شده است. در سال‌های اخیر با تحولاتی که در تولید و مصرف حاصل به وجود آمده، برخی از صنایع دستی موجود در نواحی مختلف کشور از بین رفته و حتی فراموش شده و یا در حال از بین رفتن می‌باشد (مهدوی، ۱۳۷۸: ۲۰۴).

صنایع دستی بازتابی از تاریخ و تمدن هر قوم و ملت است و از آنجا که مهارت‌ها و تخصص‌ها نسل به نسل از پدر به فرزند و از استادکار به شاگرد انتقال یافته و نظر به اینکه در اجتماعات روستایی برخلاف جوامع شهری، سنت‌ها و عادات اجتماعی و فرهنگی کمتر دستخوش تغییر شده و پیوسته نوعی حالت ثبات و تمایل بر حفظ وضع موجود در مناطق روستایی حاکم بوده، به همین جهت صنایع دستی می‌تواند، عامل انتشار مؤثری برای فرهنگ‌ها و سنن مناطق مختلف کشورهای مختلف جهان باشد. صنایع دستی می‌تواند انعکاسی دقیق از تاریخ و تمدن گذشته هر ملتی باشد (همان، ۲۰۰).

اصطلاح «صنایع دستی» از نظر لغوی دارای مفهوم واحد و ثابتی نیست و هنوز برای آن تعریفی که جامع و کامل و مورد پذیرش همه کارشناسان و سازمان‌های مسئول در کشورهای مختلف باشد وضع نشده است (بیگی، ۱۳۶۵: ۲۰۴). اما در یک کلام صنایع دستی به آن گروه از صنایع گفته می‌شود که تمام یا قسمت اعظم مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست انجام گرفته و در چارچوب فرهنگ و بینش‌های فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با توجه به دیدگاه‌های قومی آن ساخته و پرداخته می‌شود (باریر، ۱۳۶۳: ۳۶۸).

صنایع دستی روستایی ایران اصولاً متکی بر فنون بومی و سنتی است. در گذشته و تا حدودی نیز در زمان کنونی قسمت اعظم مواد اولیه صنایع دستی روستایی از محیط همان روستا و یا حداقل از فضاهای جنبی روستا تهیه می‌شده و کالاهای تولیدشده نیز در محیط روستا

چادرشب یا چارشو

در خراسان شمالی به ویژه اسفراین چادرشب بافی از دیرباز رواج داشت و مهمترین مرکز بافت آن در غرب این شهر در روستای رویین هنوز به صورت محدود وجود دارد. در قدیم از ابریشم نوعی پارچه بافته می شد که به چادر شب معروف بود ولی بعدها از پنبه نیز استفاده می شد. این هنر از هزار و چهارصد سال پیش، از چین به ایران آورده شد و در این منطقه به اوج رسید. البته این فرآورده بیشتر برای مصرف محلی بود و هیچگاه برای دادوستد استفاده نمی شد. پارچه چادرشب، باریک، به عرض سی و یک سانتی متر و طول دو متر بود و نقش هایش را در پود نمودار می کرد. چادرشب با تقسیم توپ پارچه به شش قسمت و دوخت آنها به یکدیگر تهیه می شد. به طور متوسط بافتن یک چادرشب در حدود یک ماه طول می کشید.

مهمترین مشکل چادرشب بافی در این منطقه کمبود و گران شدن ابریشم و به علت گران شدن ابریشم استفاده از نخ کاموا برای ایجاد نقش های رنگی معمول شده که به اصالت و مرغوبیت چادرشبها لطمه زیادی زده است. اما همچنان چادرشب مرغوب نیز - که در گویش محلی به آن «چارشو» می گویند - با مخلوطی از ابریشم بافته می شود که در تهیه جهیزیه کاربرد دارد. این محصول به ندرت به فروش می رسد. ابریشم خام ابریشمی است که مستقیماً از پيله گرفته و به نخ تبدیل می شود و رنگ آن زرد یا کرم است. ابریشم پخته ابریشمی است که در اثر پختن ابریشم خام و گرفتن صمغ آن حاصل می شود و رنگ آن سفید است. ابریشم را در مخلوطی از آب و خاکستر خیس می کنند تا عمل شستن ابریشم خام جهت

نرم و تمیز کردن تخم ها و آماده کردن آنها برای رنگرزی را انجام دهند. بعد از رنگ نمودن، کلافها را مرتباً باز و بسته می کنند. هنگام این عمل با تاب دادن و یا در صورت لزوم با دولا کردن نخها بر دوام و یکنواخت بودن آن می افزایند و سپس با این نخها قرقره (ماسوره) درست می کنند که برای تار و پود پارچه ابریشمی (چادر شب) به کار می رود. کلافها را به روی کلافزن قرار داده و بر روی دوک می پیچند و سپس بر روی ابریشم تابزن منتقل می کنند. این عمل باعث افزایش طول نخ شده، زیرا گرهها باز می شوند. سپس آن را به دور دوک می پیچند که دوکهای کوچک برای پود و دوکهای بزرگ برای تار پارچه به کار می رود.

پس از آماده شدن تارها کار بافت آغاز می شود. رایج ترین دستگاه برای این کار، دستگاهی است که به آن به گویش رویینی «گاوو» می گویند که با پدال کار می کند. این دستگاه روی چهار الوار کوتاه بر پا شده و از دو تیر چهار گوش ستبر تشکیل یافته که دارای چهار ستون عمودی و دو چوب مورب عرضی است که برای استحکام تعبیه شده است. روی دو ستون جلویی استوانه جولاهان قرار گرفته که در آن میخهای کوچکی برای وصل کردن تارها فرو می کنند سپس این تارها را بالا برده و از روی یک چوب که در انتهای ستونهای جلویی ثابت شده رد می کنند ترکه های عرضی باعث کشیدگی و جداماندن دو لایه تارها می شود. سپس این لایهها از میان سوراخهای دو ردیف نورد رد شده و هر کدام به دو تیغه ورد چوب وصل می شود. نوردها به یک طناب بسته شده و از سقف آویزان هستند. در ضمن

چادر شب یکی از دست‌بافته‌هایی است که مواد اولیه آن ابریشم و نخ پنبه بوده و دارای چهارتکه است؛ چهارقطعه پارچه در ابعاد ۲۰۰×۳۰ سانتی‌متر بافته و به هم دوخته می‌شود. چادرشب بافی اغلب توسط زنان انجام می‌شود.



نحوه پیچیدن رختخواب در چادرشب



استفاده چوپانان از چادرشب به عنوان پوشش و روانداز شب

هریک از نوردها به یک پدال وصل شده که بافنده روی نشینه دستگاه می‌نشیند و به طور متناوب آنها را به بالا و پایین می‌برد.

بعد از هر حرکت نوردها، بافنده، ماکو را که قرقره نخ‌های پود را به همراه دارد. از بین دو لایه تارها رد می‌کند و سپس نخ‌های پود را با شانهای که در بالای تارها قرار دارد به هم می‌فشارد. پارچه بافته‌شده روی استوانه‌ای پیچانده می‌شود. بافنده می‌تواند بدون بلندشدن از جای خود استوانه جولاهان را به وسیله ترکه‌ای بچرخاند. در نهایت نوارهای پارچه بافته‌شده را به هم می‌دوزند و از آن چادر شب درست می‌کنند.

نقوش به کاررفته در چادرشب عبارتند از: کاجی شکل، طرح‌های زیگزاکی، اشکال گل، نقوش شانهای، اسلیمی، چهارخانه‌ای و یک رنگ.

کاربرد چادر شب

در روپین به دلیل اینکه زنان کار دامداری و باغداری را نیز انجام می‌دهند و آن نیز کار سخت و طاقت‌فرسایی است؛ و در فصل کشت و کار دچار کمر درد می‌شوند- با بستن چادرشب به دور کمر خود در عین حال که کمر خود را محکم و صاف نگه می‌دارند از شدت درد نیز می‌کاهند. چادرشب نوعی پوشش کمر در مقابل نامحرمان و نوعی پوشش در مقابل سرماست. در قدیم برای پوشش گهواره، وسایل خواب و به عنوان روانداز نیز از چادرشب استفاده می‌شد، علاوه بر اینها برای بستن رختخواب‌ها و لباس‌ها و همچنین دوخت لباس‌های گوناگون محلی و غیره استفاده می‌شد، اما امروزه بیشتر جنبه تزئینی یافته و برای رومیزی، روتختی و... استفاده می‌شود.

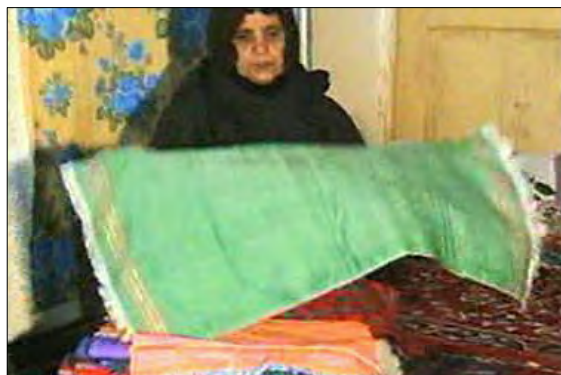
می‌گیرد ذهنی و برگرفته از میراث و فرهنگ پیشینیان است که سینه به سینه منتقل شده است.

روتختی، روبالشی، رختخواب‌پیچ، شال کمبری زنانه، روانداز از دیگر کاربردهای چادرشب است که به نوعروسان جهیزیه داده می‌شده تا پیوندشان با سنت‌ها عمیق‌تر و ریشه‌دارتر شود. با دستگاہ چادرشب‌بافی علاوه بر چادرشب، پارچه‌های دیگری هم از قبیل حوله، سفره، پرده، رویهٔ پتو و لحاف و پارچه‌هایی جهت دوخت لباس نیز بافته می‌شود.

ابریشم و نخ از مواد اولیه این بافته‌داری بوده که امروزه جای خود را به نخ و کاموا داده است. این دستمایه هنری بیشتر به وسیله زنان هنرمند متبحر و بی‌نام‌ونشان بافته می‌شود. از قدیم رسم بر این بوده که به نوعروسان به همراه چادر سفید، یک جفت چادرشب نیز هدیه می‌دادند تا همواره روشنی‌بخش زندگی مشترک آنان باشد.

در روستای رویین‌زانی هستند که به جرأت می‌توان گفت در هنر، حتی سرآمد مردان خودند؛ زنان هنرمندی که به نحو احسن از این ودیعه الهی استفاده می‌کنند و هنر را با شیرۀ جان خویش درمی‌آمیزند. این تعاریف بی‌شک مختص زنان روستای رویین است که قلمروشان شهرستان اسفراین است و به زبان اصیل فارسی تکلم می‌کنند.

«چادرشب» عنوان پارچه‌ای چهارگوش و مربع‌شکلی است که با نخ‌هایی از جنس کاموا بافته می‌شود. چادرشب به رنگ‌های قرمز، زرشکی، سبز و سرمه‌ای و گاهی ترکیبی از سفید با حاشیه‌های سبزرنگ است. از چادرشب در شب‌های بهار و تابستان به عنوان روانداز استفاده می‌شود.



حوله‌های تهیه شده با استفاده از دستگاہ چادرشب‌بافی



پارچه‌های بافته شده در روستای رویین جهت تهیه پیراهن چادرشب‌بافی تجلی ذوق، هنر و زیبایی‌شناسی مردمان روستای رویین و از جمله هنر دستی و بافته‌داری خراسان شمالی به حیثی دوباره نیاز دارد. اگر چه روزگاران اهالی روستای رویین با نام چادر شب شهره منطقه بودند ولی امروزه این هنر قدیمی به دلیل نداشتن برنامه، ساماندهی‌نشدن هنرمندان، نبود حمایت، بی‌توجهی به تبلیغات و کاربردی‌نشدن در حال فراموشی است.

«چادرشب» دو تکه پارچه در ابعاد مختلف است که به هم بافته و دوخته می‌شود. نقشه در هنر چادرشب‌بافی کاربرد ندارد و نقوشی که در آن مورد استفاده قرار

از قدیم رسم بر این بوده که به نوعروسان به همراه چادر سفید، یک جفت چادر شب نیز هدیه می‌دادند تا همواره روشنی‌بخش زندگی مشترک آنان باشد.

است. هر سال حمایت از این هنر که ریشه در آداب و سنن منطقه دارد کمتر می‌شود. سازمان متولی حمایت از صنایع دستی توجه چندانی به این شاخه هنری ندارد». او به هزینه بالای تولید این بافته‌داری اشاره می‌کند و می‌گوید: «این رشته هنری از نظر اقتصادی دیگر به صرفه نیست و فقط به خاطر عشق و علاقه به فعالیت می‌پردازیم.»

آلات و ابزار

از آنجا که اثر مدوتی در مورد ابزار و آلات مرتبط با چادرشب‌بافی وجود نداشت و مانند خود هنر به فراموشی سپرده شده، ما با تعامل مردمان روستا آلات و ابزار این هنر صنعت را شناسایی کرده و در ادامه آوریم: **گاوو یا پاچال:** دستگاهی که نخ‌ها بر روی آن قرار می‌گیرند و فرد بافنده در پشت آن قرار گرفته، شروع به کار می‌کند.



دستگاه چادرشب‌بافی سنتی «گاوو»

یکی از هنرمندان چادرشب‌باف می‌گوید: «چادرشب‌بافی را با نگاه کردن بر دستان خسته و ترک‌خورده مادرم آموختم؛ آموختنی که برای همیشه در خاطرم ماند. آن موقع نخ‌ها را همان اهالی روستا برای ما درست می‌کردند. اما الان اوضاع فرق کرده. روزی هفت متر می‌بافم. هر شش متر یک چادرشب است. وقتی از پشت دستگاه (گاوو) بلند می‌شوم، دیگر نای حرف زدن ندارم، چون از صبح که از خواب بیدار می‌شوم تا غروب کار می‌کنم. تمام کتفم درد می‌کند. همین‌طور کف پاهایم. چون بیشتر سنگینی کار روی کتف و پاهاست. اوایل خیلی از این کار لذت می‌بردم [البته الان هم لذت می‌برم چون این هنر یادگار آبا و اجدادی‌ام است]. اوایل فکر می‌کردم هنرمندم و هر وقت لازم باشد و دلم بخواهد از هنرم استفاده می‌کنم، اما الان چه دلم بخواهد و چه نخواهد، باید از هنرم استفاده کنم. حالا این هنر را به هیچ‌وجه نمی‌توانم از خودم جدا کنم...»

یکی دیگر از اهالی روستا که بیش از ۳۰ سال در این رشته هنری فعالیت دارد می‌گوید: «این هنر دستی که چند نسل در طایفه ما رواج دارد اکنون رو به فراموشی

جغنه: وسیله‌ای است از جنس چوب و یک عدد قرقه چوبی که برای نگه‌داشتن بردها استفاده می‌شود و این امکان را به بافنده می‌دهد که بردها را بالا و پایین کند. عموماً جغنه‌ها طوری ساخته می‌شوند که با صدایی ملایم و دلنواز فرد بافنده را همراهی کنند. یعنی شخص همزمان با بافتن از آهنگ جغنه‌اش لذت می‌برد که این در بالارفتن پتانسیل کاری تأثیر مستقیمی دارد. [جالب اینکه در برخورد با افراد مختلف به این نتیجه رسیدیم که، هر کس صدای جغنه دستگاه خود را می‌شناخت.]



دستگاه چادرشب‌بافی سنتی



برد: جهت نگه‌داشتن منظم نخ‌های تار از آن استفاده می‌شود و این امکان را به بافنده می‌دهد که نخ‌های تار زیر و روی پارچه را از هم جدا کرده و نخ پود را از بین آن عبور دهند.

دسته‌ای دیگر از ابزار در کنار دستگاه چادرشب‌بافی معنا پیدا می‌کنند که به قرار زیر هستند:

چرخجه: این وسیله کاربردهای مختلفی در صنعت بافندگی دارد که بیشتر برای باز کردن کلاف‌هایی که نخ‌های آن پاره شده و یا به هم تابیده شده‌اند استفاده

ماسوره: استوانه‌ای نازک اغلب از جنس نی به قطر یک و طول پنج سانتیمتر که نخ‌های پود به دور آن پیچیده می‌شوند. البته جنس و اندازه ماسوره‌ها در دستگاه‌های جدید متفاوت است.

ماکو: وسیله‌ای لوزی‌شکل از جنس چوب که ماسوره درون آن قرار گرفته و برای عبور دادن نخ‌های پود از لابه‌لای نخ‌های تار از آن استفاده می‌شود.

تیغ: وسیله‌ای است که نخ‌های تار از لابه‌لای آن عبور داده می‌شوند و بافنده جهت نشانیدن نخ‌های پود روی یکدیگر و صاف کردن آنها از آن استفاده می‌کند.

ورد: وسیله‌ای چوبی و چرخان است که پارچه بافته شده دور آن پیچانده می‌شود تا هم میزان پارچه‌های بافته شده مشخص گردد و هم این که نظم خاصی به کار بدهد.

نوآرد: چوبی که به وسیله آن ورد را می‌چرخانند تا پارچه بافته شده به دور آن جمع شود.

باشوره: در زیر پاهای بافنده قرار می‌گیرد و فرد بافنده به کمک آنها بردها را بالا و پایین می‌برد.



می‌شود.

لک لکی: تبدیل نخ‌های پاره‌شده و یا کلاف‌های خراب‌شده به کلاف‌های مرتب و به‌هم‌پیوسته توسط این ابزار انجام می‌گیرد.

چرخ: با استفاده از این ابزار، نخ‌های آماده‌شده را بر روی ماسوره انتقال داده تا از آنها به عنوان پود در دستگاه اصلی استفاده شود. چرخ خود دارای اجزای مختلفی است. مهمترین کارکرد آن انتقال سریع پودها بر روی ماسوره است.

کلیه ابزارآلات و وسایل دستگاه سنتی چادرشب‌بافی از جنس چوب و یا نخ است که همه آنها نیز در خود روستا و توسط دستان توانا و هنرمند اهالی آن ساخته می‌شده است. لذا بدون شک می‌توان به قدمت دیرینه صنعت نجاری در این روستا نیز اشاره کرد.

نکته‌ای که در اینجا نیاز به ذکر آن است این که در تهیه نخ‌های پود بیشتر از نخ‌ها و کلاف‌های پاره‌شده یا خراب‌شده‌ای استفاده می‌شد که اغلب از کارخانه‌های نساجی با قیمت ارزاتر در بازار عرضه می‌شد. یکی از

اهالی این روستا می‌گوید: «ما کلاف‌های پاره‌شده و گسسته را از شهرهایی چون مشهد و بجنورد با قیمت پایین خریده و آنها را به پیرزن‌ها می‌سپاریم تا با حوصله و دقتشان نخ‌ها را به یکدیگر پیوند داده و کلاف‌های تازه‌ای برای بافتن چادر شب آماده کنند». این امر نه تنها نمونه‌ای والا برای اصلاح الگوی مصرف بوده، بلکه کمال استفاده را از توانایی‌های مردمان این روستا نشان می‌داده است.

بنا به گفته مردم روستا هیچ خانواده‌ای به عنوان شغل اصلی به آن نمی‌پرداخته است (به جز در مواردی که زنان، سرپرست خانوار بوده و هیچ زمین و حیوانی برای کشاورزی و یا دامداری نداشته‌اند). این حرفه کاری زنانه محسوب می‌شده و اکثر زنان در کنار کارهای خانه (پخت نان، رسیدگی به بچه‌ها، رسیدگی به دام‌ها و...) به این حرفه نیز می‌پرداخته‌اند. خانواده‌ها در فصل‌های پاییز و زمستان به دلیل فارغ‌شدن از کارهای کشاورزی و باغداری بیشتر به این کار روی می‌آوردند.

بازار فروش

در گذشته بزرگترین مشکل، بحث بازار فروش این پارچه‌ها بوده که این مشکل توسط مردهای خانه حل می‌شده است؛ به این ترتیب که مردها در گروه‌های دو یا سه نفره و گاهی هم اگر کسی پیدا نمی‌شد به تنهایی کوله بار سفر را می‌بستند، چادرشب‌ها را بر پشت گذاشته و با پای پیاده در میان سرما و برف و باران راهی آبادی‌ها و روستاهای اطراف می‌شدند و خود با سیستم بازاریابی و ذکاوتی که در این امر به دست می‌آوردند، صنایعشان را به فروش می‌رساندند. بدون

شک در این سفرها تبادلات اجناس و به تبع آن فرهنگ‌ها و سنن بیشتر اهمیت داشته است.

امروزه در روستا به ندرت دستگاه‌های قدیمی یافت می‌شود که به روش سنتی کار می‌کنند. اکثر خانواده‌ها از دستگاه‌های مدرن استفاده می‌کنند. با ورود این دستگاه‌ها تغییراتی در کیفیت و همچنین ابعاد چادرشب‌ها ایجاد شده است و این امر باعث شده است که زن‌ها نیز جای خود را به مردها بدهند و حرفه چادرشب‌بافی از یک کار صرفاً زنانه به یک کار صرفاً مردانه تبدیل شود.

بارز چادرشب‌بافی در این منطقه بوده که به دلیل بی‌توجهی به حاشیه رانده شده و یا در معرض فراموشی واقع شده است. مصاحبت با مردمان ساده و بی‌آلایش این روستا نه تنها لذت‌بخش و دوست‌داشتنی بود، بلکه دغدغه آنها در مورد فراموشی این هنر - صنعت اصیل را فرا یاد می‌آورد. چادرشب‌بافی توسط زنان خوش‌سلیقه و هنرمند روستای رویین صورت می‌گیرد. آلات و ابزار چادرشب‌بافی همه از چوب بوده و در همین روستا تولید می‌شود. بازار فروش صنایع نیز توسط مردان کوشای این خطه صورت می‌گیرد.

این پژوهش فرصت مناسبی بود که بتوان جلوه‌هایی از هنر - صنعت چادرشب‌بافی را زنده کرد تا با توجه و نظر بیشتر در آینده بسترهای مناسب‌تری برای آن ایجاد شود.

منابع:

- بیگی، حسن. *مروری بر صنایع دستی ایران*، تهران: صنوبر. (۱۳۶۵).
- مهدوی، مسعود. *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*، تهران: سمت (۱۳۷۸).
- باریر، *اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان برنامه (۱۳۶۳).
- مصاحبه با برخی از اهالی روستای رویین

پیشنهادها و راهکارها:

- ۱- تأکید و توجه بیشتر و ارائه برنامه همه‌جانبه از سوی دولت برای حمایت از صنعت گران.
- ۲- ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه توسط دولت به کسانی که در این حرفه اشتغال دارند.
- ۳- توجه کافی به آموزش در این شاخه هنری مخصوصاً در مراکز فنی و حرفه‌ای.
- ۴- برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و ایجاد مراکز عرضه و فروش جهت توسعه این رشته.
- ۵- برنامه‌ریزی برای رفع چالش‌ها و موانع فراروی تولید و فروش این هنردستی ضروری است.

سخن آخر

هنر - صنعت چادرشب‌بافی ریشه در تاریخ کهن ایران‌زمین داشته و یادآور فرهنگ، هنر و صنعت ایرانیان بوده که با ذوق و سلیقه خاصی با هم تلفیق می‌شد. روستای رویین واقع در شهرستان اسفراین نمونه